

سید محمد مهدی موسوی



گزارشات

«۴»

پنجساله سفارت ایران در لندن

شیخ محسن خان مشیرالدوله- ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۸ ه. ق

در گزارش شماره ۱۴ مورخ ۲۵ شعبان ۱۲۸۵- ق مجدداً شرح مفصلی درباره لزوم احداث بنادر مجهز در سواحل خلیج فارس و خرید کشتی های جنگی و تجاری نیروی دریائی نوشته و گفتگوهائی که با وزیر خارجه انگلیس در این زمینه نموده است گزارش داده و می نویسد :

« جناب لرد استنلی گفت اکتیاع کشتی و تهیه اسباب بحریه از برای دولت ایران مشکل است زیرا که هنوز دولت شما از مخارجی که متضمن این کار است استحضار کافی ندارد و یقین داریم که بعد از استحضار اقدام نخواهند کرد... »
(ص ۹۸)

شیخ محسن خان در همین گزارش مشروح جوابهائی که با وزیر خارجه انگلیس داده تا سرانجام از او قول گرفته است که صاحب منصبی را برای

تأسیس و تنظیم نیروی دریائی بایران بفرستد ذکر کرده و مجدداً لزوم ایجاد بحریه و مراقبت از حقوق و منافع ایران در بنادر و جزایر و سراسر خلیج فارس را بدولت یادآور میشود .

ظاهراً مقارن همین ایام نماینده انگلیس در بندر بوشهر اقدامات و مداخلاتی در جزایر بحرین نموده است که دولت ایران به نمایندگی خود در انگلیس دستور داده است نزد مقامات انگلیس از اقدامات مزبور شکایت نموده و اعلام نماید که مداخله در امور بحرین بدون اطلاع و اجازه دولت ایران مخالف روابط دوستانه موجود دو کشور میباشد ... و همچنین بر اثر شورش و کودتائی که توسط طوایف وهابی در مسقط و عمان صورت گرفته امام مسقط از کار برکنار میشود ... وزیر مختار ایران در لندن بوزارت خارجه مینویسد که از فرصت باید کمال استفاده را نموده و بندر عباس و مضافات آنرا از زیر سلطه و حکومت امام مسقط بیرون بکشند ... قسمتی از گزارش او چنین است:

« شرحی در باب حرکت فوق العاده عالیجاه بالیوز انگلیس

مأمور بوشهر نسبت بجزیره بحرین در ۸ شهر رجب مرقوم فرمودند . چهار روز قبل زیارت شد . وقتی بود که وزراء قدیم (انگلیس) همگی استعفاء داده بودند و وزراء جدید هنوز داخل عمل نشده بودند . مراقب است همین که اجزای وزارتخانه‌ها درست مشخص شد و داخل عمل گشتند انشاء الله بدون قوت و وقت بتدابیر اصلاح فقره مزبور اقدام خواهد شد ... البته واقعه امام مسقط هم تا بجال بمرض جنابعالی رسیده است که طایفه وهابی امام مسقط را بیرون کرده و آنجا را متصرف شدند . در اینصورت قرار اجاره بندر عباس و مضافات برهم خورده راجع بدولت و داخل در تحت اداره حکومت فارس می شود . باعتقاد قدوی این فقره از حسن اتفاقات است زیرا که تصرف بیگانه بهراسم و رسم که باشد در آن سواحل بالمآل برای اولیای دولت علیه مایه اشتغال خاطر خواهد شد ... »

(س ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ گزارش مورخ ۲۵ شعبان ۱۲۸۵ - ق)

و در گزارش دیگری اینطور نوشته است :

دوروز قبل که با جناب لرد کلاردان (وزیر خارجه انگلیس) ملاقات کردم بعد از گفتگوهای بسیار گفت: من خیر خواه دولت علیه ایران هستم و خیال من اینست که روز بروز بمراتب دوستی بین دولتین بیفزایم ولی بطور صریح میگویم تا از برای دولت ایران اسباب حفظ نظم و پرستاری جزایر خلیج خواه بحرین باشد و خواه جزایر دیگر فراهم نشود و نتواند شان بیرق خود را در آن سواحل حفظ کند - از طرح این مسائل باید احتراز نماید.

ملت انگلیس تجارت کلیه در خلیج و شط العرب دارد و شب و روز سفاین تجارتی ما در آن سامان تردد میکنند و اعراب سواحل خلیج و اهالی جزایر آنجا غالباً دزد دریا هستند اگر در کمال سختی حفظ نظم نکنیم و با احتساب آنجا نپردازیم اغتشاشات کلیه در آن اطراف پیدا خواهد شد و مایه زحمت و مرارت هر دو دولت خواهد بود و تا دولت علیه قدرت ضمانت امنیت و حراست خلیج را ندارد ما از این نوع اقدامات خودداری نمیتوانیم کرد و در حقیقت بی مزد و زحمت خدمتی بدولت علیه میکنیم ... البته بواسطه ظهور این قبیل امور اهمیت تهیه اسباب بحریه در خلیج فارس در نظر پیش بینی اولیای دولت علیه اکنون میرهن و محقق است که شروع به بنای قوت بحریه از برای دولت علیه از جمیع امورات مهم تراست و مصارف آن لازمترین مصارف دولت میباشد . دولت علیه با آنکه صاحب خلیج و مالک دهنه شط العرب و دروازه عراق عرب است چرا باید در احتساب حفظ نظم آنجا محتاج بدولت انگلیس باشد

(ص ۱۴۷-۱۴۸ مورخ ۶ ربیع الاول ۱۲۸۶-ق)

در یکی دیگر از گزارشات خود نوشته است :

..... بالجمله اکنون حفظ حالت و استقلال دولت جاوید آیت در جزایر و سواحل خلیج بسته بحسن تدبیر اولیای دولت

علیه است و بدون استعداد و قوه بحریه حفظ حقوق در آن سامان غیر ممکن است و چنانکه سابق معروض داشته‌ام تا ترتیب اوضاع بحریه بطوری که به حفظ نظم و احتساب خلیج کفایت کند از برای دولت علیه حاصل نشود در مسائل دائره خلیج و جزایر و سواحل باید پطفره رفت مگر وقتی که حق دولت در معرض بطلان باشد چنانکه در فقره بحریه بود که آنوقت پروتست کرده و بهمان حالت باید گذاشت

(ص ۱۵۱ - ۱۵۲ مورخ ۱۴ ربیع الاول ۱۲۸۶ - ق.)

و باز در گزارش دیگر نوشته است :

..... چون دایره تجارت دولت عثمانی در خلیج و شط العرب تا بغداد و موصل و داخله عربستان بسیار وسیع و مهم است و علاوه بر این موجبات پولتیکه خود را نیز بواسطه شط العرب و فرات و دجله مقتضی یک نوع تسلط در خلیج فارس میدانند . علیهذا در پی بهانه و فرصت است که باجرای نیت خود بپردازد . راه این خیالات را مسدود نمی کند مگر تحصنات دهنه شط العرب و محصره و استحکامات هرمز و شروع دولت علیه بترتیب اوضاع بحریه و تهیه بندرات حریه باعتبار کمترین هر قدر اولیای دولت جاوید آیت زودتر باجرای این نیت همت گمارند دیر است و کمال وجوب و اهمیت این کار را آینده ثابت خواهد کرد و الا زفته رفته دست تسلط دولت علیه از خلیج فارس و توابع آن کوتاه شده بحر مزبور نیز که بجمیع ممالک شرقیه و غربیه و شمالیه اتصال دارد برای دولت جاوید آیت بی و در حکم حالت بحر خزر خواهد بود

(ص ۲۱۵ - ۲۱۶ مورخ ۱۶ ذی قعدة ۱۲۸۶ -)

در گزارش دیگر می نویسد :

..... باعتبار کمترین بنده دولت انگلیس نسبت بدولت علیه بیغرض

تر است . بلکه برای حفظ هندوستان طالب قوت دولت علیه است . علی-
الخصوص این اوقات که ترقیات و پیشرفت دولت روسیه را در ترکستان مشاهده
می کند و حالت متزلزل افغانه را نیز محکم و موثر نمیدانند و همچنین
خلیج فارس که بجهت اولیای دولت علیه مایه اشتغال حواس شده است اگر
در تحت حمایت کشتیهای دولت انگلیس نبود با حالت حالیه بحریه دولت
علیه حالا حقوق دولت علیه در خلیج مزبور متزلزل شده بود ... عموم دول
همیشه در فکر آن هستند که دریای هند و خلیج فارس جای پائی داشته باشند
و دولت عثمانی که این اوقات بحالت خود ملتفت شده بر ترتیب اوضاع و استحکام
اساس دولت خود همت گماشته است با وجود توسعه که رفته رفته در تجارت
بغداد و بصره و دهانه شط العرب حاصل می شود اهمیت تسلط و مداخله خود
را در خلیج فارس دانسته است . اگر تسلط و مداخله دولت انگلیس در خلیج
برای دولت مزبور سد راه نبود با ملکیت ساحل جنوبی خلیج بهانه بزرگی
در دست داشت ...

حالت شوشر بمثل بغداد بلکه به اکثر جهات و داخل تر بودنش بهتر و
مهمتر از بغداد است و اگر اولیای دولت علیه اندک توجهی می فرمودند سفاین
و مراده و تجارتی که امروز در بغداد است بشوشر نقل میشد (۱) . چنانکه
سابقاً اهمیت و منافع تجارت شوشر زیاد از اندازه بود و تواریخ شاهد آن
است و همچنین بندر محمره (بندر خرمشهر کنونی) مثل داردانل اسلامبول

۱ - برای آنکه توجه خواننده را در مورد پیشنهادات طلائی شیخ
محسن خان در خصوص مرکزیت شوشر و محمره با توجه بسوابق تاریخی و
مرکزیت تجاری شوشر و انتقال موقعیت فعلی بغداد به شهر مزبور بآید -
آوری کنم که اساس کوشش پنجاه ساله انگلیس ها بمنظور تحصیل امتیاز
کشتی رانی کارون یا همان فعالیتی که بعلت محذورات سیاسی برای دولت
ایران در اعطاء امتیاز انحصاری به انگلیس ها منجر بصدور فرمان « آزادی
کشتی رانی در کارون » گردید تحصیل همین نتیجه ای بوده است که
با اجرای پیشنهادات طلائی وزیر مختار ایران در لندن بدست می آمد ...

است. اگر اولیای دولت با استحکام بندر مزبور و تهیه و آبادی و اسباب مرآوده آنجا توجه میفرمودند تمامی شطالعرب در تحت تسلط و اختیار دولت علیه می- بود ۰۰۰ عظم و اعتبار و قوت دولت بسته بتجارت و مقدمه مرآوده او با خارج است و راه طبیعی مرآوده و تجارت غیر از دریا چیست ؟ ۰۰۰۰۰۰۰ (ص ۳۱۰ - ۳۱۱ گزارش مورخ ۲۷ رمضان المبارک ۱۲۸۷ - ق)

و در یکی دیگر از گزارشات خود نوشته است :

« مرآوده و تجارت اگر بتواریخ مراجعه شود در سوابق ایام باضعاف مضاعف در شوشتر بود و اکنون هم کشتی تا شوشتر با کمال سهولت میروند و همچنین از سمت بندر محمره چه برای پولتیک و چه برای تجارت ۰۰۰ مکرر معروض افتاده اگر اولیای دولت جاوید آیت اندک توجهی فرمایند چندی نمیگذرد که بندر محمره و شوشتر هر دو بندر معتبر و تجار گاه عظیم شده مرآوده و تجارت بغداد به اماکن مزبور تحویل میشود ۰۰۰ »

(ص ۳۲۲ - گزارش ۱۵ ذیقعه ۱۲۸۷ ق)

در تعقیب گزارشات قبلی نوشته است : « خدایگانا مکرر حاصل اطلاعات و عقیده خود را در باب حالت حالیه و مخاطرات آینده خلیج فارس بمرض حضور عالی رسانیده ام و بارها اهمیت و لزوم فوری شروع بتهیه اوضاع بحریه را با دلایل آن معروض داشته ام . حفظ استقلال دولت علیه در خلیج فارس و بندرات و جزایر آن بدون مختصر قوه بحریه غیر ممکن است تجارت و مرآوده دول سائره عموماً و دولت عثمانی خصوصاً بواسطه سرعت و سهولتی که روز بروز در حرکت حمل و نقل مال التجاره و مترددین حاصل میشود اهمیت پیدا کرده و مضاعف میشود . افتتاح نهر سویس (کانال سوئز) حالت آن صفحات را بکلی تغییر داده و این روزها هم مسئله راه آهن از اسکندرون و جلب و از کنار فرات تا بصره بجهت اتصال بحر سفید به خلیج فارس بواسطه اهتمامات ایلچی کبیر عثمانی در پارلمنت انگلیس طرح شد . اگر راه مزبور هم ساخته شود چنان که احتمال کلی میروند مرآوده و تجارت در خلیج صدبریک اضافه خواهد شد و حالت پولتیک آن حدود نیز بهمان سبب

تغییر و اهمیت خواهد یافت.

اکنون خیال دولت عثمانی جداً متوجه خلیج مزبور است و میخواهد بهر وسیله که صورت امکان پذیرد دست تصرف و تسلط به خلیج و جزایر آن دراز نماید. اوقاتیکه اولاً مسئله بحرین طرح شد قبل از آنکه ایلچی کبیر و اولیای دولت عثمانی مستحضر شوند. کمترین عمل را با لرد کلارندون (وزیر خارجه انگلیس) گذرانیده سند قبول پروتست را حاصل نمودم. چنانکه همان اوقات بعرض حضور عالی رسانیدم که دولت عثمانی بعد از استحضار از قمره مزبور به ایلچی کبیر خود ایراد و اظهار انزجار نمود که چرا مانع قرار داد مذکور نشد در غایله ثانیه که مجدداً عنوان مطلب شد ایلچی کبیر عثمانی فرصت یافته خود را داخل مسئله کرده باظهارات تحریری و شفاهی پرداخت ولی لرد کلارندون جواب صریح داد که هیچوقت دولت عثمانی در جزیره بحرین صاحب حق نبوده، در سوائف ایام در تصرف ایران بود این اوقات هم ادعای مالکیت و پروتست نمود دولت انگلیس هم پروتست مزبور را به ملاحظه گرفت دیگر ایلچی کبیر عثمانی ایستادگی نکرد ولی جداً متوجه ازدیاد قوه بحریه در بصره و بغداد هستند و چنانکه سابقاً عرض کرده بودم چهار فروند کشتی جنگی در انگلستان ایتیاع کرده به بصره فرستادند تا چندی قبل به بهانه تنبیه و گوشمال اعراب سواحل جنوبیه خلیج چند کشتی جنگی با قلیلی قشون به بحرین و جزایر همجوار آنجا فرستادند کمترین مستحضر شده با «لرد غرانویل» و «دوک دارخایل» وزیر هند و «رالنس صاحب» ملاقات و گفتگو کردم باکمال مساعدت بدولت عثمانی اظهار انزجار کرده ایشان را به ترک این نوع اقدامات دعوت نمودند. از طرف دولت عثمانی هم گوشمال اعراب آن سواحل را عذر آوردند و غایله بر طرف شد .. ولی محققاً پیشنهاد اولیای دولت عثمانی استقلال تامه در خلیج و جزایر آنجاست عجلتاً ساکت شده منتظر فرصت مساعد ترمی باشند هر وقت بدست آمد بدون حرف با اقدامات قویه خواهند پرداخت این اوقات دولت انگلیس سد راه خیال آنان است ولی از کجا معلوم است که مقتضای واردات و حوادث

آینده تغییری در خیال و پولتیک دولت مزبوره در آن حدود ندهد ؟ ؟
 همین که راه آهن کنار فرات ساخته شد و تجارت آن دودولت صورت دیگر پیدا کرد و تنخواه گزاف تبعه انگلیس در آنجا مرهون شد و در نفع و ضرر تجارتی و پولتیکی باهم شریک شوند بلا حرف تغییرات کلیه در پولتیک دولتین مزبورتین حاصل خواهد شد .

بالجمله همت اولیای دولت جاوید آیت اگر قویاً متوجه حالت خلیج و تهیه اوضاع بحریه و ترتیب موجبات بنادر نشود بدون حرف استقلال و حقوق نایبه دولت در خطر عظیم خواهد بود

(ص ۳۵۴ - ۳۵۵ گزارش مورخ ۴ جمادی الثانیه ۱۲۸۸ - ق)
 صرفنظر از گزارشات متعدد درباره حقوق ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز و جزائر و بنادر خلیج و شط العرب که قسمتهائی از آن در این یادداشتها نقل شد . وزیر مختار ایران در لندن طی پنجمال پیش از بیست گزارش در اطراف مالکیت بحرین و گفتگوها و مکاتباتی که با وزارت خارجه و وزارت مستعمرات و فرمانفرمای هند بعمل آورده برای اطلاع وزیر خارجه و مقامات مسئول دولت ایران ارسال داشته است که چون اصل موضوع دیگر مورد توجه مردم ایران نیست برای احتراز از اطاله کلام از نقل قسمتهائی از عین گزارشات او خودداری شد و بطور خلاصه توضیح میدهد که : مسئله بحرین در آن سالها به این صورت میان دو دولت مطرح مذاکره و گفتگو بوده است :

تا سال ۱۲۸۷ - ق غالباً نمایندگان و نایب الحکومه هائی از جانب حاکم فارس مأمور اقامت در بحرین بوده اند و آخرین کسی که بشرح گزارشات حاج شیخ محسن خان در جزایر بحرین اقامت و مأموریت داشته شخصی بنام (میرزا مهدی خان) میباشد و در سال ۱۲۸۵ - ق نماینده انگلیس در بوشهر از غیبت نسایت الحکومه ایران در جزایر بحرین استفاده کرده و مداخلاتی در امور داخلی آن جزایر مینماید . دولت ایران پس از اطلاع از جریان بنمایند خود در لندن دستور میدهد که موضوع را با وزارت خارجه انگلیس در میان گذاشته و بمداخلات و بالیوز انگلیس مقیم بوشهر ، در

مورد بحرین اعتراض نماید .

وزارت خارجه انگلیس با مشورت وزارتین مستعمرات و هندوستان و نایب السلطنه هند ابتدا حقوق ایران در جزایر بحرین را انکار نموده و دخالت نماینده خویش را به بهانه تعقیب دزدان دریائی و جلوگیری از برده فروشی جلوه داده است . اما بعداً بر اثر اقدامات و مذاکراتی که وزیرمختار ایران بعمل می آورد سرانجام وزارت خارجه انگلیس پیشنهاد می کند که موضوع به حکمیت دولت فرانسه اگذار شود و سپس در قبال دلائل و مدارک مثبت حقوق ایران رسماً و کتباً حقوق و مالکیت ایران را در جزایر بحرین قبول و تصدیق نموده و قول میدهند که بعد از این هیچگونه دخالتی در داخله خاک جزایر مزبور توسط اتباع و مأمورین دولت انگلیس و حکومت هندوستان بعمل نخواهد آمد و فقط نیروی دریائی انگلیس در حدود امور تجارتی و تعقیب دزدان دریائی و جلوگیری از خرید و فروش برده در سواحل آن جزایر مانند سایر سواحل و جزایر و بنادر خلیج فارس رفت و آمد خواهند کرد .

وزیرمختار ایران با خوشحالی و مسرت فراوان شرح موقفیت خویش و عین نامه وزارت خارجه انگلیس را همراه گزارشات خود بوزارت خارجه اطلاع داده و علاوه میکند تا زمانیکه دولت شاهنشاهی برای حفظ حقوق تاریخی و اساسی خود در خلیج فارس نیروی دریائی کافی و کشتیهای جنگی و بنادر مجهز ندارد بهتر است بهمین مقدار اقرار و اعتراف دولت انگلیس قناعت نماید و بعلاوه همواره مأمورینی در جزایر بحرین داشته باشد (صفحات ۱۰۹-۱۱۲-۱۱۹-۱۲۹-۱۳۱ تا ۱۳۳ + پیشنهاد حکمیت دولت فرانسه ۱۳۷ تا ۱۴۴-۱۴۶-۱۶۱-۲۰۱ تا ۲۱۶-۲۲۶-۲۳۱-۲۶۵ - ۲۶۶ - ۳۰۸ تا ۳۱۱-۳۲۱ دفتر گزارشات شیخ محسن خان)

از مطالعه مجموع گزارشات وزیرمختار ایران در زمینه لزوم توجه فوری بمسئله خلیج و حقوق ایران در جزایر و بنادر و تنگه هرمز و حفظ و حراست از آن و بی اعتنائی و سکوت مرگبار جمیع مقامات دولت ایران به

موضوعی با آنهمه اهمیت امروزه متوجه میشویم که حقوق ایران بدست چه کسانی سپرده بوده است و با چه مقدار سهل انگاری و بی توجهی آنرا بدام و دامان و درکام بیگانگان انداخته اند ...

در اوقاتی که حاج شیخ محسن خان این گزارشات را در باره مالکیت بحرین و حقوق ایران در جزایر و بنادر و دهانه خلیج و تنگه هرمز بوزارت خارجه ایران نوشته است مالکیت ایران در بحرین مورد تردید کسی نبود و برای حاکمیت ایران در دهانه خلیج و مالکیت جزایر مجاور آن بحث و حدیثی وجود نداشت و از حکام رأس الخیمه و شارجه و غیره هم نشانی نبود اما غفلت و بی اعتنائی پادشاهان وقت و دولت‌های مسئول در ایران .. کار حقوق مسلم و مالکیت بلامعارض ایران در خلیج و جزایر و بنادر و دهانه آنرا بجائی کشانید که عمال و ایادی هشیار و آگاه استعمار در کمال حوصله و بقریب نوبت و اهمیت برای هر جزء از سواحل و بنادر جزایر و نقاط سوق - الجیشی و تجاری این منطقه حساس مالک و مدعی تراشیدند و بفراخورد حال هر يك از ایادی دست نشانده سوابق تاریخی و حقوق قدیمی همراه بانسب نامه و اسناد مالکیت و سبق تصرف برای ایشان ساختند و بدستشان دادند و سپس با يك ؛ يك ؛ آنان قراردادهائی دو جانبه منعقد نموده و آرشیو اسناد و مدارک سیاسی خویش را با این قبیل اوراق حساب شده !!! و ساخته و پرداخته !!! تکمیل نمودند تا اگر روزی زمامداران غافل ایران از خواب خرگوشی برخاسته و چنانکه وزیر مختار ایران در لندن مکرر در مکرر نوشته و یاد آور شده است در مقام استیفاء و تملك حقوق تاریخی خود در خلیج فارس و بنادر و جزایر برآمده ب فکر تدارک نیروی دریائی و تهیه کشتی های جنگی و تجاری افتادند سرو کارشان با حقوق شناخته شده آلات و ایادی محلی استعمار باشد !! و فی المثل شیخ رأس الخیمه علیرغم دم خروسی که از حقوق

تاریخی ایران بر کاکل نام او نصب است !!! (۱) از ساحل جنوبی خلیج مدعی مالکیت جزایر تنب کوچک و بزرگ بشود در حالیکه این جزایر در کنار آبهای ساحل شمالی خلیج قرار دارد و بر طبق تمام موازین حقوق و تعاریف بین‌المللی مالکیت آن به صاحبان اراضی ساحل مجاور تعلق دارد و صرفاً با استناد اینکه در قرارداد های محرمانه که با انگلیسها منعقد شده و ایشان بقول معروف (از کیسه خلیفه بخشیده اند!) و جزایر متعلق بایران در در ملکیت فلان شیخ و بعنوان شکار گاه او !!! شناخته اند خدشه ای بر حقوق تاریخی و مسلم ایران وارد نمیکند ... در صورتیکه در سراسر این تفرجگاه یا شکارگاهها جز مار و تخته سنگ چیزی وجود ندارد و ساکنین سواحل جنوبی کسی جز همان هائی که در طی دو قرن دولت انگلیس ایشان را دزد دریائی خوانده و به بهانه جلوگیری از دست درازی ایشان و ممانعت از برده فروشی توسط آنان و بعنوان حفظ و حراست از کشتیهای تجاری خویش در پهنه خلیج نفوذ کرده اند نمیباشد ... (ادامه دارد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- رأس الخیمه : نام یکی از امیرنشین های کوچک ساحل جنوبی خلیج فارس (یا بقول مأموران سیاسی انگلیس صالح متصالح) است ... وجه تسمیه « رأس الخیمه » اینست که قوای اعزامی نادرشاه افشار به سواحل جنوبی خلیج و جزایر بحرین این سرزمین را مخیم خویش ساختند و چادرهای خود را در آنجا برپا کردند و بمناسبت اقامت سپاهیان مزبور با اشاره بچادرها (خیمه های) آنان پایگاه موقتی مزبور را « رأس الخیمه » نام نهادند .